

A Critical Examination of Jurisprudential-Legal Structures of Sunnis

Seyyed Mohammad Razi Asef Agah¹

Received: 14/09/2021

Accepted: 07/09/2022

Abstract

Many late Sunni jurists have designed jurisprudential-legal structures. These structures have two aspects; this means that they have used two scientific structures. The current paper follows this theory that the later Sunnis (from Zarqa) designed their jurisprudence structures according to the science of law. They have tried to bring jurisprudential structures closer to legal structures. Some Sunni jurists have designed the structure of jurisprudence based on law (Zohayli and Shaltut structure), but others have gone too far and have adopted the structure of jurisprudence from the science of law. The second method is not suitable for designing the structure of jurisprudence, although it may be defended in the legislative structure; because the language of the law must be international. In this paper, six of the most important structures of legal-jurisprudential are critically examined and their advantages and shortcomings are dealt with. These structures are Zarqa structure in *al-Fiqh al-Islami fi Thawbah al-Jadid*; The structure of Khalaf in *Ilm Usul al-Fiqh*; Shaltut structure in *Al-Islam Aqidah va Shariah*; The structure of Islamic jurisprudence in *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyah al-Kuwaitiyah*; The structure of Wahaba Zohayli in *al-Fiqh al-Islam va Adilah*; and the structure of Jamal Atiyah in *Tajdid al-Fiqh al-Islami*.

Keywords

Jurisprudential-legal structure, structure based on law, structure of Sunni Islamic jurisprudence, philosophy of Islamic jurisprudence.

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. sefagah@isca.ac.ir.

* Asef Agah, S. M. R. (1401 AP). A Critical Examination of Jurisprudential-Legal Structures of Sunnis. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 4(7), pp. 9-41. DOI:10.22081/JIKM.2022.61897.1065

دراسة نقدية لهياكل الفقهية - القانونية السنية

السيد محمد رضي آصف آگاه^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٧

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/٠٩/١٤

الملخص

صمّم الكثير من متأخري فقهاء أهل السنة عدداً من المباني الفقهية - القانونية. وهذه المباني ذات وجهين، أي أنها تستفيد من مبنيين علميين. وهذه المقالة تبحث في النظرية القائلة بأن متأخري أهل السنة (الزرقاء) قد صمّموا مبانيهم الفقهية بما ينسجم مع علم القانون. وقد سعى هؤلاء أن يجعلوا المباني الفقهية قريبة من المباني القانونية. وقد صمّم بعض فقهاء أهل السنة هيكل الفقه بما ينسجم مع القانون (مباني الزحيلي وثلثوت)، أما البعض الآخر فقد أفرطوا فاقتبسوا هيكل الفقه من علم القانون. والأسلوب الثاني لا يتناسب مع تصميم مباني علم الفقه، وإن كان ربما أمكن الدفاع عن هذا الأسلوب في عملية التتمين، لوجوب أن تكون لغة القانون لغة عالمية. وفي هذه المقالة تمت دراسة ستة مبانٍ من أهم المباني الفقهية القانونية بنظرة نقدية تمّ فيها بيان مزايا ونواقص هذه المباني. وهذه المباني هي: مباني الزرقاء في الفقه الإسلامي في ثوبه الجديد، ومباني خلاف في علم أصول الفقه، ومباني ثلثوت في الإسلام عقيدة وشرعية، ومباني الفقه في الموسوعة الفقهية الكويتية، ومباني وهبة الزحيلي في الفقه الإسلامي وأدلته، ومباني جمال عطية في تجديد الفقه الإسلامي.

المفردات الأساسية

المباني الفقهية القانونية، المباني المنسجمة مع القانون، مباني فقه أهل السنة، فلسفة الفقه.

m.asefagah@isca.ac.ir

١. مساعد أستاذ في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

* آصف آگاه، السيد محمد رضي. (١٤٤٤هـ). دراسة نقدية لهياكل الفقهية - القانونية السنية. مجلة إدارة العلم الإسلامي (نصف سنوية علمية - محكمة)، ٤(٧)، صص ٩-١٤. DOI: 10.22081/JIKM.2022.61897.1065



بررسی انتقادی ساختارهای فقهی - حقوقی اهل تسنن

سیدمحمدرضی آصف آگاه^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

چکیده

بسیاری از فقیهان متأخر اهل تسنن ساختارهای فقهی - حقوقی طراحی کرده‌اند. این ساختارها دو جنبه‌ای هستند؛ بدین معنا که از دو ساختار علمی بهره برده‌اند. در مقاله حاضر این نظریه دنبال می‌شود که متأخران اهل تسنن (از زرقاء) ساختارهای فقهی خود را با توجه به علم حقوق طراحی کرده‌اند. آنان کوشیده‌اند ساختارهای فقهی را به ساختارهای حقوقی نزدیک سازند. برخی از فقیهان اهل تسنن ساختار فقه را ناظر به حقوق طراحی کرده‌اند (ساختار زحیلی و شلتوت)، اما برخی دیگر افراط داشته و ساختار فقه را از علم حقوق اقتباس نموده‌اند. روش دوم مناسب طراحی ساختار علم فقه نیست، هرچند در ساختار قانونگذاری شاید بتوان از آن دفاع کرد؛ چون زبان قانون باید بین‌المللی باشد. در این مقاله شش ساختار از مهم‌ترین ساختارهای فقهی حقوقی با نگاه انتقادی بررسی و مزایا و کاستی‌های آنها بیان می‌شوند. این ساختارها عبارتند از: ساختار زرقاء در الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید؛ ساختار خُلاف در علم اصول الفقه؛ ساختار شلتوت در الاسلام عقیده و شریعة؛ ساختار فقه در الموسوعة الفقهية الكويتية؛ ساختار وهبة زحیلی در الفقه الاسلامی و ادلته؛ و ساختار جمال عطیه در تجدید الفقه الاسلامی.

کلیدواژه‌ها

ساختار فقهی حقوقی، ساختار ناظر به حقوق، ساختار فقه اهل تسنن، فلسفه فقه.

sefagah@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم، ایران.

* آصف آگاه، سیدمحمد رضی. (۱۴۰۱). بررسی انتقادی ساختارهای فقهی - حقوقی اهل تسنن. دوفصلنامه علمی-ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۴(۷). صص ۹-۴۱. DOI:10.22081/JIKM.2022.61897.1065

مقدمه

اهل تسنن ساختارهای گوناگونی را برای فقه ترسیم کرده‌اند. تفاوت عمده ساختارهای اهل تسنن در آن است که متقدمان بیشتر، ساختار مستقل از حقوق ترسیم نموده‌اند، اما متأخران، بیشتر ساختار خود را با توجه به حقوق طراحی کرده‌اند. در این مقاله ساختارهای فقهی - حقوقی اهل تسنن استقصا و نقد و بررسی می‌شوند و مزیت‌ها و کاستی‌های آنها بیان می‌گردند. از آنجا که این ساختارها با توجه به حقوق نگاشته شده‌اند، ساختارهای فقهی - حقوقی نام گرفته‌اند. ساختارهای فقهی - حقوقی دو دسته‌اند: ساختار پیرو حقوق و ساختار ناظر به حقوق. ساختار برگرفته از حقوق را ساختار پیرو می‌نامیم و ساختار مرتبط با حقوق را ساختار ناظر می‌گوییم. ساختارهای فقهی - حقوقی اهل تسنن مربوط به قرن ۱۴ و ۱۵ هستند و عبارتند از:

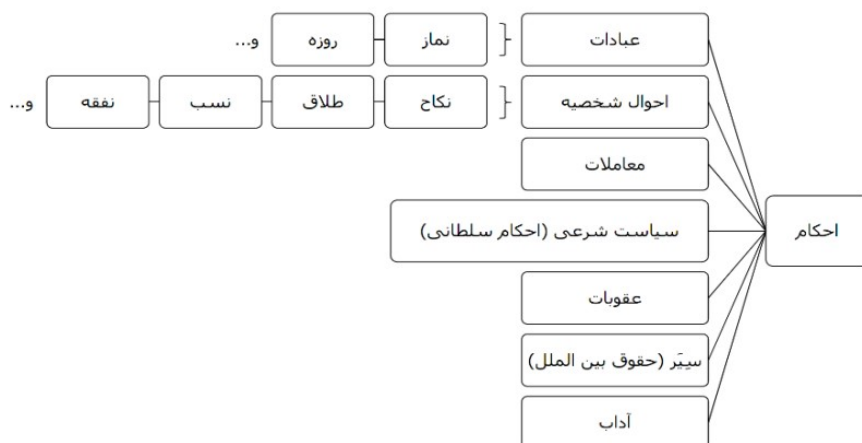
اول - ساختار فقه در کتاب الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید

شیخ مصطفی زرقاء (۱۳۲۲ق) فقه را به هفت قسم تقسیم کرد:

۱. احکام متعلق به عبادت خدا که "عبادات" نامیده می‌شوند، مانند نماز و روزه؛
۲. احکام متعلق به خانواده که امروزه به "احوال شخصیه" شناخته می‌شود، مانند نکاح، طلاق، نسب و نفقه؛
۳. احکام متعلق به افعال مردم و نوع تعامل مردم با همدیگر در اموال و حقوق و رفع منازعات که این قسم، "معاملات" نام دارد؛
۴. احکام متعلق به سلطان حاکم بر مردم و احکام مربوط به حقوق و واجبات بین آن دو. این قسم را "احکام سلطانی" یا "سیاست شرعی" می‌نامند و در اصطلاح حقوق دو نوع می‌شود: حقوق اداری و حقوق دستوری (قانون اساسی)؛
۵. احکام متعلق به عقاب مجرمان و حفظ نظام داخلی کشور که "عقوبات" نامیده می‌شود؛

۶. احکامی که ارتباط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها را سامان می‌بخشد و نظام صلح و جنگ را مشخص می‌نماید. در قدیم "سیر" و امروزه "حقوق بین‌المللی" نام دارد؛

۷. احکام متعلق به اخلاق، محاسن و زشتی‌های آن. این قسم، "آداب" نام دارد (زرقاء، ۱۹۶۷م، ج ۱، صص ۵۵ و ۵۶).



بررسی ساختار فقه از منظر مصطفی احمد زرقاء

ساختار زرقاء اولین ساختار اهل سنت است که ناظر به حقوق، نگاشته شده و در آن نوآوری‌های ساختاری دیده می‌شود. این ساختار دارای نقاط قوت و وضعی است که نیاز به بررسی دارند.

مزایا

این ساختار مزیت‌هایی دارد که به برخی از مهم‌ترین مزایا اشاره می‌کنیم:

۱. توانایی سامان‌دهی فی الجمله ابواب فقهی (جامعیت): ساختار پیشنهادی زرقاء، این ظرفیت را دارد که ابواب فقهی موجود و معروف را سامان بخشد.
۲. تقسیم ماهوی: این تقسیم براساس ماهیت و محتوای مسائل فقهی تنظیم شده و از این جهت دارای مزیت است.
۳. تعریف فی الجمله اصطلاحات: ایشان اصطلاحات به کار رفته در ساختارش مانند عبادات، معاملات، احوال شخصیه، عقوبات و احکام سلطانیه را تعریف کرده است.

کاستی‌ها

برخی از مهم‌ترین کاستی‌ها و اشکالات این ساختار عبارتند از:

۱. بیان نکردن تقسیم منطقی: زرقاء ساختار خود را بر پایه تقسیم منطقی استوار نکرده است. وی احکام فقهی را در هفت بخش به ترتیب: عبادات، احوال شخصیه، معاملات، سیاسات شرعیه، عقوبات، حقوق بین‌الملل و آداب دسته‌بندی کرده، اما توضیح نداده که از نظر منطقی حصر مباحث در هفت بخش ذکر شده به چه صورت است و نیز ترتیب چینش هفت بخش به چه معیار می‌باشد؟

شاید بتوان گفت که تقسیم، استقرایی است و بر اساس استقراء ابواب فقهی، این ساختار تنظیم شده است.

ترتیب‌بندی ساختار را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد: به جهت اهمیت رابطه انسان با خدا، ابتدا عبادات قرار می‌گیرد. پس از آن، به سبب اهمیت نسل (نکاح) بر مال، احوال شخصیه جای گرفته است. سپس امور مالی به عنوان معاملات قرار می‌گیرد. برای تنظیم روابط انسانی به حکومت نیاز است (بخش ۴)؛ و برای رفع تنازع و حفظ نظام داخلی و تنظیم روابط افراد و حکومت (بخش ۵) به عقوبات نیاز است. پس از بیان روابط داخلی به بیان روابط خارجی نیاز است (بخش ۶)؛ اما بخش هفتم به نظر بنده بالاصاله خارج از مباحث فقه و مربوط به علم اخلاق است.

۲. خلط مباحث علم فقه و علم اخلاق (مانعیت نداشتن): بخش هفتم (آداب) بالاصاله مربوط به علم فقه نبوده و جایگاه اصلی آن در علم اخلاق است. برخی از فقهای اهل سنت آداب و اعتقادات را از فقه، خارج و جای بحث از آنها را در علم عقاید و اخلاق دانسته‌اند (ابن نجیم، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹).

۳. چینش ناقص ابواب: ایشان زیرمجموعه ابواب فقهی را به‌طور کامل چینش نکرده و از باب نمونه چند مورد مثال زده. برای نمونه: برای بخش عبادات، نماز و روزه را نام برده و برای بخش احوال شخصیه، چهار عنوان نکاح، طلاق، نسب و نفقه را ذکر کرده است. ذیل معاملات هم هیچ موردی قرار نداده و در بخش‌های دیگر نیز هیچ

عنوانی را نام نبرده است. چنین ناقص ابواب موجب می‌شود که نتوان یک ساختار را به‌طور کامل نقد کرد.

۴. پیروی از ساختار علم حقوق: از آنجا که علم حقوق در سطح بین‌الملل شناخته شده است، مصطفی زرقاء سعی کرده تا ساختار فقه را براساس این علم پایه‌ریزی کند. مباحثی مانند احوال شخصیه، حقوق اداری، حقوق دستوری که در بخش چهارم (احکام سلطانی) آمده و حقوق بین‌المللی، نشان‌دهنده توجه به حقوق در این ساختار است.

آیت‌الله آصفی یکی از اشکالات این تقسیم را اقتباس آن از علم حقوق می‌داند و می‌نویسد: «زرقا تقسیم حقوق را آورده و در اول آن، بحث عبادات را اضافه کرده و بدین گونه خواسته است ساختاری برای فقه تنظیم کند (طباطبایی، ۱۴۱۲ق (مقدمه)، ج ۲، ص ۴۰). پیروی ساختار فقه از ساختار حقوق، در تقنین مناسب به نظر می‌رسد؛ زیرا ساختار قانون‌گذاری، ساختاری بین‌المللی است، اما پیروی ساختار علم فقه یا فقه فتوایی از ساختار حقوق مناسب نیست، حداکثر می‌توان گفت: ساختار فقه ناظر به علم حقوق چنینش شود.

دوم- ساختار فقه در کتاب علم اصول الفقه

عبدالوهاب خَلاف (۱۳۷۵ق) در کتاب علم اصول الفقه، ابتدا احکام قرآن را به سه بخش تقسیم می‌کند: احکام اعتقادی، احکام اخلاقی، احکام عملی (فقه القران). سپس احکام عملی را به دو دسته تقسیم می‌کند: عبادات و معاملات (هر چیزی غیر از عبادات).

وی مصادیق عبادات را صلوات، صوم، زکات، حج، نذر و یمین و مانند اینها می‌شمرد.

احکام معاملات را نیز هفت بخش می‌کند:

۱. احکام احوال شخصیه که به خانواده مربوط است؛
۲. احکام مدنی (معاملات مدنی) که به معاملات مالی مربوط است، شامل: بیع، اجاره، رهن، کفالت، شرکت، مداینه، وفا بالالتزام؛

۳. احکام جنایی، شامل: جرم و عقوبت؛
۴. احکام مرافعات، شامل: قضا، شهادت، یمین؛
۵. احکام دستوری، شامل: نظام حکومت، رابطه حاکم با مردم و حقوق مردم؛
۶. احکام دُولی، شامل: ارتباط حکومت اسلامی با دیگر دولت‌ها از نظر جنگ و صلح و رابطه با غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی؛
۷. احکام اقتصادی و مالی که به احکام فقیر و غنی، مصرف وجوهات و مانند آن مربوط است (خلاف، ۱۹۹۲م، صص ۳۲-۳۳).



بررسی ساختار فقه از منظر خلاف

عبدالوهاب خلاف احکام فقهی را در دو بخش اصلی (عبادات و معاملات) سامان بخشیده است. ایشان بخش معاملات را به دو اصطلاح شرعی و عصر جدید دسته‌بندی می‌کند. معاملات در اصطلاح شرعی و نزد قدما شامل عقود، تصرفات، عقوبات، جنایات و غیر این موارد است و در اصطلاح، عصر جدید هفت قسمت دارد.

مزایا

برخی از مزیت‌های این ساختار عبارتند از:

۱. امکان چینش ابواب فقهی موجود (جامعیت): این ساختار می‌تواند ابواب فقهی موجود را در خود جای دهد و از این جهت دارای جامعیت فی‌الجمله است.
۲. تقسیم ماهوی: این ساختار بر پایه ماهیت موضوع‌های فقهی تقسیم‌بندی شده و به امور لفظی که به صیغه و لفظ نیاز دارد، توجه نشده و این امر از مزایای این ساختار است.
۳. تناسب فی‌الجمله با نیاز زمان: این ساختار با توجه به نیاز زمان، چینش یافته و از این جهت شایسته تقدیر است، اما اینکه چه مقدار در پوشش نیازهای زمان و مباحث علم حقوق و در عین حال اصالت دادن به فقه، موفق بوده، به بررسی نیاز دارد که در ادامه می‌آید.
۴. تعریف اصطلاحات: ایشان اصطلاحات به کار رفته در ساختارش را تعریف کرده؛ اصطلاحاتی همانند احکام اعتقادی، احکام اخلاقی، عبادات، معاملات، احوال شخصی، احکام جنایی، احکام مراعات، احکام دستوری، احکام دُولی و احکام اقتصادی (خلاف، ۱۹۹۲م، صص ۳۲-۳۳).

کاستی‌ها

این ساختار دچار برخی از اشکال‌ها و کاستی‌هاست که در نقد ساختار زرقاء و موسوعه فقهیه کویته گذشت و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱ و ۲. بیان نشدن معیار تقسیم و اولویت ابواب: معیار و ملاک تقسیم، در بخش معاملات معلوم نیست و نویسنده هم به آن تصریح نکرده است. در نتیجه، این سؤال‌ها باقی است که چرا معاملات به هفت قسمت تقسیم شده، نه کمتر و نه بیشتر از آن. همچنین ترتیب بخش‌های معاملی به چه ملاکی است؟ آیا تقدیم و تأخیر هفت قسمت معاملات معیار خاصی دارد؟ به نظر نگارنده ترتیب ابواب دچار نابسامانی است.

این ترتیب‌بندی پیشنهادی، ذیل بررسی ساختار زرقاء گذشت که عبارتند از:

عبادات، احوال شخصیه، معاملات مالی، حکومت و دولت، رفع تنازع و عقوبات، روابط بین‌المللی.

بنابر ترتیب نگارنده، بخش ۳ و ۴ (احکام جنایی و مرافعات)، مؤخر از بخش ۵ (احکام دستوری) می‌شود. همچنین احکام اقتصادی، بعد از احوال شخصیه قرار می‌گیرد، نه در آخر.

۳. ضعف در انسجام: از بیان بالا روشن شد که این ساختار از پیوستگی میان بخش‌ها برخوردار نیست و دارای ضعف در انسجام است.

۴. جداسازی نامناسب: مناسب بود احکام مرافعات و احکام جنایی (بخش ۳ و ۴) در یک بخش قرار گیرند و به‌عنوان مسائل قضایی و جزایی مطرح گردند، چنان‌که مناسب بود احکام معاملات مدنی و احکام اقتصادی (بخش ۲ و ۷) در یک بخش جمع شوند. این‌گونه جداسازی، براساس ساختار حقوق صورت گرفته است.

این تجمیع به سبب آن است که بخش‌ها و ابواب متقارب، از دیگر بخش‌ها متمایز شوند و در کنار هم در یک بخش قرار گیرند تا تمایز کامل بخش‌ها به تناسب موضوع‌ها رعایت شوند.

۵. پیروی از ساختار حقوق: چنان‌که گذشت، ساختاردهی فقه با توجه به علم حقوق مناسب است، اما چنین علم فقه براساس ساختار حقوق مناسب نیست. بنابراین شایسته است از ساختار حقوق در ضمن ساختار فقه، به‌عنوان مکمل استفاده شود. زرقاء پیروی کمتری از علم حقوق را در ساختار علم فقه اعمال کرده و این اشکال کمتر به او وارد است؛ اما خلاف پیروی حداکثری از ساختار حقوق را در علم فقه اعمال کرده و این از ضعف‌های بزرگ این ساختار است. او بخش‌های ساختارش را احکام مدنی، احوال شخصیه، جنایی، مرافعات، اساسی، دولی و اقتصادی گذاشته که عین بخش‌های ساختار حقوق، یا بسیار شبیه به آن است.

سوم- ساختار فقه در کتاب الاسلام عقیده و شریعة

شیخ محمود شلتوت (۱۳۸۳ق) در کتاب الاسلام عقیده و شریعة با تأثیر از تقسیمات علم

حقوق، شریعت را به پنج باب تقسیم می‌کند. البته ابتدا شریعت را به دو بخش اصلی تقسیم می‌کند: عبادات و معاملات. سپس معاملات را به چهار باب تقسیم می‌کند و روی هم رفته پنج بخش می‌شود. چهار بخش اول ایشان نزدیک به ساختار فقه شافعی (عبادات، معاملات، مناکحات و عقوبات) است. گویا او بخشی دیگر به نام امت اسلامی، به ساختار شافعیه افزوده است:

۱. عبادات شامل: صلوات، زکات، صوم، حج؛
۲. نظام خانواده و موارث شامل: نکاح، طلاق، تعدد زوجات، تنظیم نسل، زن از منظر اسلام و موارث؛
۳. اموال و مبادلات؛
۴. عقوبات شامل: عقوبات نصی (حدود، قصاص) و عقوبات تفویضی (تعزیرات) و مسئولیت مدنی و جنایی؛
۵. جماعت اسلامی (امت در اسلام) شامل: کیفیت دولت و حکومت اسلامی، روابط بین‌المللی شامل: قوانین جنگ و صلح و معاهدات دُولی (شلتوت، بی‌تا، ص ۷۳).



بررسی ساختار فقه از منظر شیخ شلتوت

ساختار پیشنهادی شیخ شلتوت به ساختار مصطفی احمد زرقاء نزدیک است. ساختار زرقاء هفت‌بخشی و این ساختار پنج‌بخشی است. بین این دو ساختار، چهار بخش

مشترک است که عبارتند از: عبادات، احوال شخصیه، معاملات مالی و عقوبات. شیخ شلتوت بخش پنجم را به دولت و حکومت و روابط بین‌المللی اختصاص داده؛ یعنی دو بخش ۴ و ۶ از ساختار زرقاء را ادغام کرده است. ایشان بخش آداب (بخش هفتم) ساختار زرقاء را در ساختار نیاورده؛ زیرا بحث آداب، مربوط به علم اخلاق است. البته شلتوت، اخلاق در اسلام را با عنوان «خاتمه» در آخر ابواب معاملات آورده است. با این وصف، مزیت‌ها، اشکال‌ها و کاستی‌های این ساختار را باید در ساختار زرقاء جست‌وجو کرد که به ترتیب آنها را بررسی می‌کنیم:

مزایا

برخی از مزیت‌های این ساختار مانند جامعیت، تقسیم ماهوی و تقسیم ناظر به حقوق در بررسی ساختار زرقاء گذشت. مزیت‌های دیگر عبارتند از:

۱. تقسیم عبادات بر مبنای روایی: شیخ شلتوت عبادات را بر پایه روایت «بُنی الاسلام علی خمس؛ شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة و صوم رمضان و حج البيت لمن استطاع إليه سبيلاً» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۶)، منحصر در نماز، روزه، زکات و حج دانسته است.

۲. تعریف اصطلاحات: اصطلاحاتی مانند شریعت، عبادات، معامله و مسئولیت مدنی (شلتوت، بی تا، صص ۱۰، ۷۳ و ۳۹۲).

۳. ناظر به حقوق بودن: ساختار شیخ شلتوت از یک‌طرف به ساختار علم حقوق نزدیک است و از طرف دیگر به ساختار چهاربخشی فقه شافعی نیز شبیه است. بنابراین نمی‌توان این ساختار را پیرو ساختار حقوق دانست؛ اما چنان‌که گذشت، در آن مایه‌هایی از ساختار حقوق نیز دیده می‌شود و این از مزایای ساختار شیخ شلتوت است.

کاستی‌ها

ضعف‌ها و کاستی‌های دیگر این ساختار افزون‌بر آنچه در بررسی ساختار زرقاء

گذشت که عبارتند از: بیان‌نشدن تقسیم منطقی، خلط مباحث فقه و اخلاق، چینش ناقص مباحث، به قرار ذیل است:

۱. بحث در مصادیق عبادات: اگر مراد از عبادت، مناسک شرعی است، قرار دادن زکات در عبادات، نادرست است؛ زیرا زکات از مناسک شرعی نیست، و اگر مراد از عبادت، آن افعالی است که قصد تقرب در آن شرط صحت است، انحصار عبادات در چهار مورد مذکور (صلوات، زکات، صوم و حج) نادرست است.
۲. سلیقه‌ای بودن: انحصار معاملات در چهار بخش نظام خانواده، اموال، عقوبات، امت اسلامی براساس چه معیاری است. در واقع سؤال آن است که به چه ملاک، معاملات فقط در این چهار مورد منحصر است، نه کمتر و نه بیشتر؟ معیار تقسیم چیست و به چه معیاری انحصار به دست آمده است؟

چهارم - ساختار فقه در کتاب موسوعه فقهیه کوبتیه

این موسوعه که به همت جمعی از علمای اهل سنت به نگارش درآمد (۱۴۲۷-۱۴۰۴ق)، فقه و احکام شرعی را در هشت بخش اصلی دسته‌بندی کرد و بخش‌های هشت‌گانه و زیربخش‌های آنها به شرح ذیل هستند:

بخش اول - عبادات، شامل سه عنوان: عبادات بدنی محض (صلوات، صوم)، عبادات مالی محض (زکات) و عبادات بدنی و مالی (حج)؛

بخش دوم - احوال شخصیه، شامل هشت عنوان: ازدواج، طلاق، نفقه، حضانت، ولایت، نسب، وصایا، و ارث؛

بخش سوم - معاملات، شامل عنوان‌هایی مانند: بیع، شراء، شرکت، رهن، کفالت، وکالت، هبه، اعاره و اجاره؛

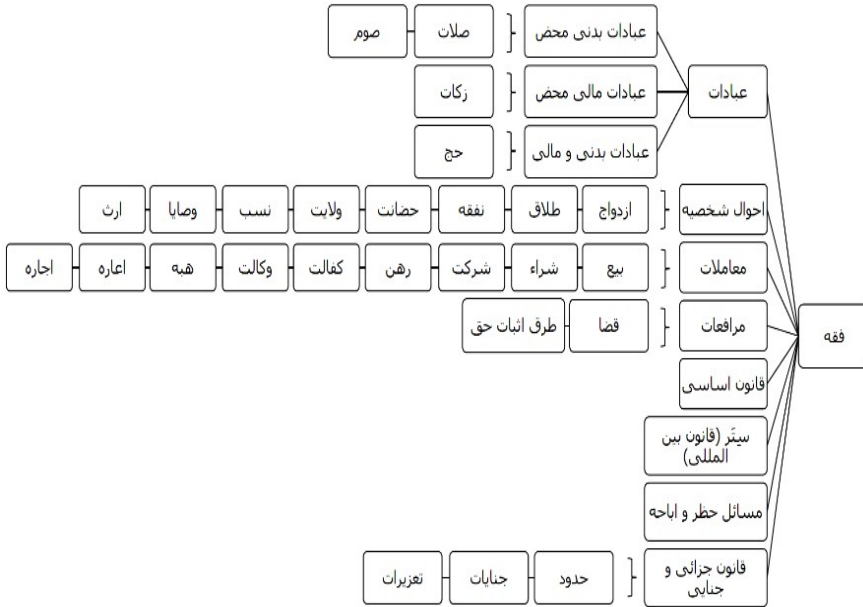
بخش چهارم - مرافعات، شامل مباحثی مانند قضا و طُرُق اثبات حق؛

بخش پنجم - قانون اساسی؛

بخش ششم - سیر و قانون بین‌المللی؛

بخش هفتم - مسائل حضر و اباحه؛

بخش هشتم - قانون جزایی و جنایی، شامل: حدود، جنایات و تعزیرات (وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۴۷ - ۴۹).



بررسی ساختار فقه در کتاب موسوعه فقهیه کویتیه

گویا این ساختار، نسخه تکمیلی ساختار فقه در کتاب الفقه الاسلامی فی ثبوة الجدید اثر شیخ مصطفی زرقاء است. پدیدآورندگان این ساختار، از ساختار زرقاء الهام گرفته و در برخی از بخش‌ها، آن ساختار را تغییر داده و تکمیل کرده‌اند. چنان‌که گذشت، زرقاء هفت بخش برای ساختارش تنظیم کرد که در پنج بخش با این ساختار مشترک هستند: عبادات، احوال شخصیه، معاملات، عقوبات، و حقوق بین‌المللی؛ اما در این ساختار دو بخش هست که در ساختار زرقاء نیست (بخش ۵ و ۷ قانون اساسی، مسائل حظر و اباحه) و در ساختار زرقاء بخش آداب آمده که در این ساختار چنین بخشی نیست.

ساختار یادشده مزایا و کاستی‌هایی دارد که در ادامه بررسی می‌شوند.

مزایا

برخی از مزیت‌های این ساختار عبارتند از:

۱. امکان پوشش ابواب فقهی موجود (جامعیت): این ساختار دارای چنان شمولی است که می‌تواند تمام ابواب فقهی موجود را در خود جای دهد.
۲. تقسیم ماهوی: تقسیم ابواب در این ساختار، براساس ماهیت موضوع‌های فقهی است.
۳. توجه فی‌الجمله به نیازها: در این ساختار، تا اندازه‌ای به نیازهای کنونی توجه شده است. بنابراین بخش‌هایی از ساختار به عنوان‌هایی همانند احوال شخصیه، قانون اساسی، قانون بین‌المللی و... اختصاص یافته است.
۴. تعریف اصطلاحات: در این موسوعه اصطلاحات به کار رفته در ساختار، تعریف شده‌اند؛ اصطلاحاتی مانند: عبادات، احوال شخصیه، معاملات، مرافعات، قانون اساسی، قانون بین‌المللی، حضر و اباحه (وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۴۷ - ۴۹).

کاستی‌ها

- برخی از اشکال‌ها و کاستی‌های گریبان‌گیر این ساختار، اشکال‌هایی است که بر ساختار فقه در کتاب الفقه الاسلامی فی ثبوتہ الجدید شیخ مصطفی زرقاء بیان شد (دو اشکال اول که در ادامه می‌آید)، چنان‌که اشکال‌های ذیل را نیز می‌توان افزود:
۱. بیان‌نکردن معیار تقسیم: در این ساختار، ملاک تقسیم فقه به هفت بخش بیان نشده و وجه حصر مباحث فقه در هفت بخش، مشخص نشده و معلوم نیست که ساختار یادشده براساس تقسیم عقلی است یا استقرائی یا غیر آن دو. مناسب آن است که در ساختار، ملاک و معیار تقسیم بیان شود.
 ۲. چینش ناقص ابواب: در این ساختار به معرفی کوتاه بخش‌های فقهی بسنده و زیرمجموعه ابواب فقهی به صورت ناقص بیان شده است، درحالی‌که در ساختار مطلوب باید ابواب فقهی به طور کامل چینش شود تا مقدار موفقیت ساختار در پوشش‌دهی ابواب فقهی معلوم گردد. برای قانون اساسی، قانون بین‌المللی و حضر و

اباحه هیچ بایی ذکر نشده است. ابواب دیگر هم بیشتر بدون دسته‌بندی رها شده و تنها چند باب نام برده شده است. مناسب آن بود که بخش‌های اصلی نیز تقسیم شوند، به‌خصوص معاملات؛ درحالی‌که بدون دسته‌بندی رها شده‌اند.

۳. بحث در تعریف و مصادیق عبادات: ایشان عبادات را به آنچه رابطه عبد با پروردگار را تنظیم می‌کند، تعریف کرده و مصادیق عبادات را چهار عنوان صلات، صوم، زکات و حج قرار داده است. پرسش آن است که مراد از تنظیم رابطه عبد و پروردگار چیست؟ اگر مراد از عبادت، عملی است که قصد تقرب در آن شرط است و از مناسک شرعی خوانده می‌شود (دو قید)، در این صورت زکات، عبادت نیست؛ زیرا جزو مناسک شرعی نیست، و اگر مراد از عبادت، عملی است که قصد قربت در آن شرط است، حصر کردن عبادات در چهار مورد یادشده وجهی ندارد؛ زیرا مایشترط فیه التقرب، چنان‌که گذشت، بیشتر از این چهار مورد است و خمس، کفارات، عتق، نذر و صدقه، از عبادات به این معنا خوانده می‌شوند.

۴. جداسازی نامناسب (نبود انسجام کافی): در این ساختار، بخش دوم به مرافعات و بخش هشتم به قانون جزایی و جنایی اختصاص یافته، درحالی‌که امکان داشت این دو بخش ادغام گردد و تمام مسائل قضایی جزایی در یک بخش و ذیل دو فصل گنجانده شود، به‌گونه‌ای که غالب فقیهان تنها یک بخش را به عقوبات (امور قضایی و جزایی) اختصاص داده‌اند.

۵. نبود ترتیب‌بندی مناسب برای بخش‌ها (نداشتن انسجام): ترتیب بخش‌های هشت‌گانه معلوم نیست به چه ملاکی است. چرا بین دو بخش مرافعات و قانون جزایی این قدر فاصله شده (بخش ۲ و ۸)؟ چرا دو بخش قانون اساسی و قانون بین‌المللی قبل از بخش مسائل حضر و اباحه آمده است؟

مناسب آن بود که ابتدا عبادات و سپس احکام فردی حضر و اباحه و سپس مسائل خانوادگی و احوال شخصیه و بعد از آن معاملات و مسائل مالی قرار گیرد. بعد هم قانون اساسی و پس از آن مسائل قضایی شامل مرافعات و قانون جزایی قرار داده شود، و در آخر قانون بین‌المللی بیاید.

۶. هدف میانی داشتن: این ساختار در پی ساماندهی ابواب فقهی موجود در چهارچوب منطقی است و چنان که گذشت، چنین هدفی پایین‌ترین هدف در ساختار بندی است.

۷. نداشتن رویکرد سیاسی - اجتماعی و حکومتی: با مطالعه بخش‌ها و زیربخش‌ها می‌توان دریافت که این ساختار بیشتر رویکرد فردی و تا اندازه‌ای اجتماعی به فقه دارد و در آن به مسائل حکومتی توجه شایسته نشده است. این امر را می‌توان از کاستی‌های این ساختار دانست.

۸. اقتباس ساختار حقوق: شش بخش ساختار موسوعه از علم حقوق برگرفته شده و تنها دو بخش (عبادات، حظر و اباحه) مستقل است و این از ضعف‌های ساختار یک علم خوانده می‌شود که از ساختار علم دیگر وام بگیرد.

پنجم - ساختار فقه در کتاب الفقه الاسلامی و ادلته

دکتر وهبه زحیلی (معاصر) در کتاب یازده جلدی خود به نام الفقه الاسلامی و ادلته دسته‌بندی جدیدی برای فقه ارائه کرده که به‌طور گذرا به آن اشاره می‌شود.

وی امور دین را چند چیز می‌داند، مانند: اعتقادات، آداب [اخلاق] و [احکام] که شامل عبادات، معاملات و عقوبات و آن را "فقه اکبر" می‌نامد. او بحث خود را، در احکام متمرکز می‌کند و آن را "فقه احکام شرعی" می‌نامد و امور عقیده و اخلاق را به جایگاه خود می‌سپارد (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۱).

زحیلی، فقه را در شش باب تدوین کرد:

باب اول - عبادات: شامل ۹ عنوان: ۱. طهارات (به‌عنوان وسیله و مقدمه نماز)؛ ۲. صلاة و احکام جنائز؛ ۳. صیام و اعتکاف؛ ۴. زکات؛ ۵. حج و عمره؛ ۶. آیمان و ندور و کفارات؛ ۷. اطعمه و اشربه و... (حظر و اباحه)؛ ۸. اضحیه و عقیقه و احکام مولود؛ و ۹. صید و ذبایح (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۳).

باب دوم - مهم‌ترین نظریه‌های فقهی: شامل نظریه حق، اموال، نظریه ملکیت، نظریه

عقد، مؤیدات شرعی،^۱ نظریه فسخ، اهم ما اقتبسه القانون المدني المعاصر من الفقه الاسلامی (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۸۳۶).

باب سوم- معاملات (عقود مدنی و توابع آنها): شامل ۱۸ عقد: ۱. بیع و اقسام آن (سلم، استصناع، صرف، جزاف، ربا، بیوع الامانی: مرابحه، تولیه، وضعیه و اقاله)؛ ۲. قرض؛ ۳. ایجار؛ ۴. جعاله؛ ۵. شرکت (شراکت اموال و شرکت مضاربه)؛ ۶. هبه؛ ۷. ایداع؛ ۸. اعاره؛ ۹. وکالت؛ ۱۰. کفالت؛ ۱۱. حواله؛ ۱۲. رهن؛ ۱۳. صلح؛ ۱۴. ابراء؛ ۱۵. استحقاق؛ ۱۶. مقاصه؛ ۱۷. اکراه و ۱۸. حجر (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، صص ۳۳۰۱-۳۳۰۲).

باب چهارم- ملکیت و توابع آن: شامل ۱۲ فصل: ۱. احکام اراضی؛ ۲. احیاء؛ موات؛ ۳. احکام معادن، خمس و اقطاع؛ ۴. حقوق ارتفاق (حق شرب و حق مرور ...)؛ ۵. عقود استثمار الارض (مزارعه، مساقات، مغارسه)؛ ۶. اتفاق القسمة؛ ۷. غضب و اتلاف؛ ۸. دفع صائل (دفاع شرعی)؛ ۹. لقطه و لقیط؛ ۱۰. مفقود؛ ۱۱. مسابقه و مناصله و ۱۲. شفعه (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، صص ۴۵۳۹، ۴۵۴۲).

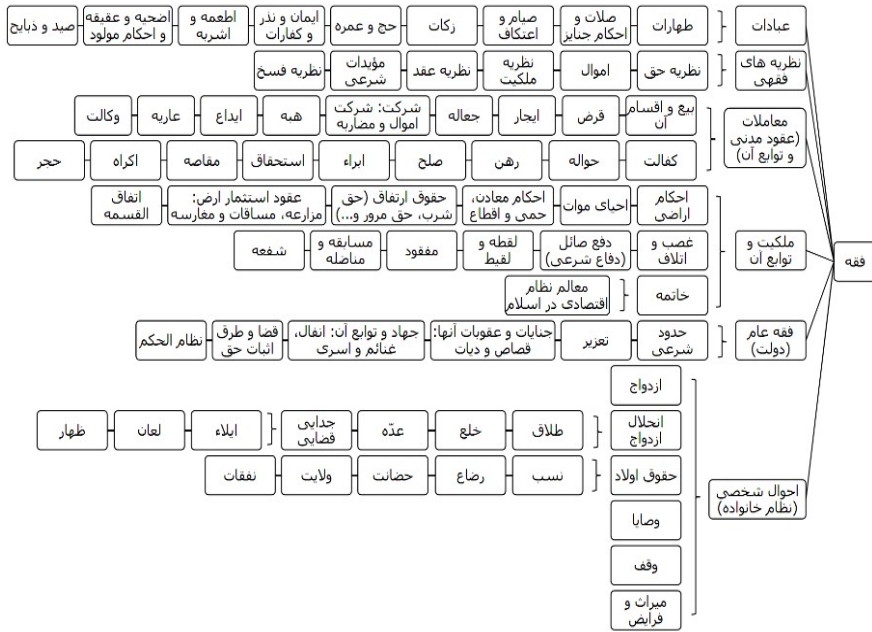
ایشان در پایان این باب، معالم نظام اقتصادی در اسلام را مطرح می کنند (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۹۷۱).

باب پنجم- مباحث مربوط به دولت (فقه عام): شامل ۶ عنوان: ۱. حدود شرعی (حد زنا، قذف، سرقت، حرابت و قطع طریق، شرب مسکر، ارتداد)؛ ۲. تعزیر؛ ۳. جنایات و عقوبات آنها (قصاص و دیات)؛ ۴. جهاد و توابع آن (انفال و غنائم، اسری)؛ ۵. قضاء، دعوی و طُرُق اثبات حق (شهادت، یمین، اقرار و قرائن) و ۶. نظام الحکم (تشریح، امامت، قضاء و دولت اسلامی) (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۶۷ و ج ۸، فهرست مطالب).

باب ششم- احوال شخصیه (احکام خانواده): شامل ۶ بحث: ۱. ازدواج و آثار آن؛ ۲. انحلال ازدواج شامل چهار عنوان: طلاق، خلع، تفریق و جدایی قضائی (که در آن جدایی به سبب ایلاء، لعان و ظهار نیز بحث می شود) و عده؛ ۳. حقوق اولاد که عبارتند

۱. مؤیدات شرعی، احکامی است که برای حمایت از احکام اصلی (واجبات و محرمات) و ترغیب و ترهیب مردم نسبت به آنها تشریح شده است (ر.ک: وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۱۳۷).

از: نسب، رضاع، حضانت، ولایت، نفقات زوجه و اقارب؛ ۴. وصایا؛ ۵. وقف؛ ۶. میراث و فرائض (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۴۸۵ و ج ۱۰، فهرست مطالب).



بررسی ساختار فقه از منظر وهبه زحیلی

وهبه زحیلی سعی کرده ساختار فقه را به ساختار حقوق نزدیک کند و در دسته بندی خود از ساختار حقوق بهره جسته است.

ساختار یادشده نقاط قوت و ضعفی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

مزایا

مهم ترین مزیت های این ساختار به شرح ذیل هستند:

۱. قابلیت سامان بخشی ابواب فقهی موجود (جامعیت): این ساختار ظرفیت پوشش دهی ابواب فقهی موجود را دارد و این امر از مزایای این ساختار است.
۲. تقسیم ماهوی: در این ساختار به ماهیت و موضوع مسائل فقهی توجه شده و

تقسیم بر این پایه صورت گرفته است. نام بخش‌های این ساختار (عبادات، معاملات، دولت، احوال شخصی و...) نشان‌دهنده توجه مؤلف به موضوع مسائل فقهی است.

۳. اشاره به معیار تقسیم: زحیلی هرچند معیار تقسیم خود را به طور روشن بیان نمی‌کند و آن را نسبت به تمام تقسیم شرح و توضیح نمی‌دهد، از کلمات او می‌توان استفاده کرد که نزد او معیار تقسیم در مباحث فقه، روابط انسانی است؛ ارتباط انسان با خدا، خود و جامعه (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳).

وی فقه را براساس روابط انسانی به دو قسم کلی فقه عام و فقه خاص تقسیم می‌کند. فقه خاص بیان‌کننده روابط انسان با خدا و دیگران است و فقه عام، بیان‌کننده روابط می‌ان افراد و دولت‌هاست (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۶۷).

او فقه را براساس رابطه انسان با خدا و با دیگران، دو قسمت می‌کند: عبادات و معاملات (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰). در عبادات ۹ عنوان را معرفی و از آنها بحث می‌کند و بقیه مباحث فقه را در یک تقسیم‌بندی، در معاملات جای می‌دهد (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳). البته او در تقسیم‌بندی مفصل‌تر، یک‌سری از مباحث فقهی مانند احوال شخصیه، مباحث مربوط به دولت و... را به‌عنوان باب مستقل در کنار باب معاملات قرار می‌دهد (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

۴. تعریف اصطلاحات: برخی از تعریف‌های ایشان عبارتند از: تعریف عبادت (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۲۳۲ - ۲۳۳)؛ تعریف فقه عام و فقه خاص (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۲۶۷) و تعریف احوال شخصیه (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۴۸۷).

۵. بیان وجه اولویت‌بندی عبادات: زحیلی تقسیم خود را براساس اولویت مباحث فقهی چینش کرده و در برخی موارد وجه اولویت و تقدیم مباحث را نیز بیان نموده است. وی وجه تقدیم عبادت بر دیگر ابواب فقهی را برتری شأن عبادت می‌داند؛ زیرا انسان برای عبادت کردن خلق شده است (ذاریات، ۵۶).

وجه تقدیم نماز بر دیگر عبادات را نیز اهمیت آن می‌داند؛ چراکه نماز محبوب‌ترین اعمال بعد از ایمان به خدا و عمود دین است (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۲).
درباره وجه تقدیم طهارت بر صلاة هم باید گفت: طهارت مفتاح نماز و شرط آن

است و شرط، مقدم بر مشروط است (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۵).

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «طهارت وسیله و صلاة مقصد و غایت است؛ پس جایگاه بحث از نماز بعد از طهارت است» (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴۷).

۶. توجه فی الجملة به نیازهای زمان: زحیلی، ساختار خود را به فقه گذشته اختصاص نداده، بلکه ساختار خود را با توجه به نیازهای کنونی چیش کرده است. توجه به نظریه‌های فقهی، اقسام عقود (عقود مدنی، استصناع، بیوع الامانی و...)، نظام اقتصادی اسلام و رابطه قوانین مدنی با فقه اسلامی، بیان‌کننده نگاه ایشان به مسائل معاصر است.

۷. توجه به مسائل حکومتی: ایشان تنها به فقه فردی توجه نداشته، بلکه به مسائل سیاسی و حکومتی توجه خاص داشته و یک بخش از ساختار خود را به مباحث حکومتی و دولت اختصاص داده است.

۸. تقسیم مباحث فقه با نیم‌نگاهی به حقوق: زحیلی ساختار خود را با توجه به علم حقوق چیش کرده است. عنوان‌هایی مانند عقود مدنی، حقوق ارتفاق، طُرُق اثبات حق، احوال شخصی، جدایی قضایی، حقوق اولاد و... نشان‌دهنده توجه به علم حقوق در این ساختار است.

کاستی‌ها

تقسیم‌بندی زحیلی نقاط ضعفی دارد که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نداشتن تقسیم منطقی: در تقسیم منطقی، اقسام، قسیم همدیگر هستند، اما در این تقسیم، برخی از اقسام، قسیم هم نیستند. برای نمونه نظریه‌های فقهی و ملکیت، قسیم عنوان‌های دیگر (عبادات، معاملات، احوال شخصیه و دولت) نیستند، بلکه اینها زیرمجموعه معاملات هستند، نه قسیم آن. پس از این جهت، این تقسیم دچار نابسامانی است.

۲. جداسازی نامناسب: ایشان معاملات و ملکیت را در دو بخش قرار داده، درحالی که معاملات (عقود مدنی و توابع آن) از اسباب ملکیت هستند و مناسب‌تر آن است که این دو عنوان در یک بخش قرار گیرند. افزون‌بر اینکه سبب شده معاوضات و

عقود هم‌خانواده از هم جدا شوند. برای مثال شفعه از بیع جدا شده و عقود استثماری (مزارعه، مساقات و مغارسه) از شرکت و مضاربه جدا شدند.

۳. پیروی نکردن از یک اصطلاح خاص (بحث در اصطلاح عبادات): وی تعریف بسیار عامی را برای عبادت قائل می‌شود، اما هنگام شمارش عبادات، از آن عمومیت صرف‌نظر می‌کند و موارد محدودی (۹ مورد) را به عنوان عبادات معرفی می‌نماید. او عبادت را بر تمامی گفتارها و رفتارهایی که رضای خدا در آن باشد، اطلاق می‌کند (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۲). با این تعریف عام، منحصر کردن عبادات در ۹ مورد مناسب نیست.

در نتیجه یا باید تعریف عبادات را محدودتر کرد تا تنها شامل این موارد شود، یا موارد را در این ۹ مورد منحصر نکرد.

گویا ایشان هنگام تعریف عبادات، از اصطلاح عام پیروی می‌کند، اما هنگام تقسیم‌بندی باب‌ها از اصطلاح خاص (عبادت امری است که قصد قربت شرط آن است) استفاده می‌کند و عبادات را پنج مورد (نماز، زکات، صوم، حج و جهاد) می‌داند (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۱). ابواب آیمان، اطعمه، اضاحی و ذبائح را نیز به جهت ارتباطی که با عبادات دارند، به آنها ملحق می‌کند (وهبه زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

در هر صورت قراردادن اطعمه و اشربه، عقیقه و احکام مولود، صید و ذبائح، در عبادات جای ندارد؛ زیرا در آنها قصد قربت، شرط یا ترجیح ندارد و اگر مراد از عبادات، امری است که قصد قربت در آن امکان دارد، اکثر معاملات، در عبادات داخل می‌شود.

۴. نداشتن رویکرد سیستمی: وی در دو مورد سعی در بیان نظام گونه‌گی فقه دارد و از معالم نظام اقتصادی و نیز نظام الحکم بحث به میان می‌آورد، اما به‌طور کلی ساختار خود را براساس نظام‌های فقهی پایه‌ریزی نکرده است.

مناسب‌تر آن است که یا تمام ساختار خود را بنابر نظام‌های فقهی چینش کند، یا اصلاً از نظام در ابواب فقهی خود بحث به میان نیاورد؛ چون موجب به هم ریختگی در ساختار می‌شود.

۵. بیان نکردن سیر منطقی باب‌ها: زحیلی فقه را در شش باب (عبادات، نظریه‌های فقهی، معاملات، ملکیت، فقه عام (مباحث مربوط به دولت) و احوال شخصیه جمع آوری کرده، ولی سیر منطقی ابواب را توضیح نداده است.

گویا وجه تقسیم این گونه است: ابتدا درباره احکام عبادی و فردی و سپس احکام معاملی بحث و بررسی می‌شود. برای ورود به بحث‌های معاملات، لازم است نخست نظریه‌های فقهی در این زمینه بیان شوند و سپس عقود مدنی و مباحث مربوط به ملکیت را بررسی کرد (بررسی امور مالی). پس از آن مباحث مربوط به خانواده مطرح می‌گردد و در پایان از حکومت و دولت بحث به میان می‌آید.

ششم- ساختار علم فقه در کتاب تجدید الفقه الاسلامی

دکتر جمال عطیه در کتاب تجدید الفقه الاسلامی، برای فقه اسلامی طرحی در شانزده بخش پیشنهاد کرده به که شرح ذیل است:

بخش ۱. شریعت؛

بخش ۲. ایمان؛

بخش ۳. اخلاق، شامل دو بحث: الف) نظریه اخلاق، ب) مفردات اخلاق که ارزش اخلاقی، تزکیه نفس (صفات اخلاقی) و آداب شرعی را در بر دارد؛

بخش ۴. مقاصد شریعت و قواعد کلی آن؛

بخش ۵. حقوق بشر و حقوق انسان (حقوق شهروندی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ ابزارهای قانونی برای حمایت از حقوق بشر؛

بخش ۶. ضوابط شرعی علوم؛

بخش ۷. شعائر، شامل دوازده مورد: طهارت، صلات، صیام، زکات، حج، تلاوت قرآن، ذکر، دعا، توبه، تفکر، کفارات و اعتکاف.

بخش ۸. احوال شخصیه، شامل:

الف) اشخاص، اعم از شخص حقیقی و شخص حقوقی. در شخص حقیقی، از اهلیت وجوب و اهلیت اداء بحث می‌شود... در اهلیت وجوب از مراحل اهلیت (جنین،

غیر ممیز، ممیز و بالغ رشید)، و عوارض اهلیت (جنون، خواب، بی‌هوشی، بیماری، مرگ، مستی، سفاهت، غفلت، حجر و... بحث می‌گردد.

در شخص حقوقی از ماهیت، انواع اشخاص حقوقی (دولت، بیت‌المال، مسجد، وقف، شرکت، گروه‌ها، مؤسسه‌ها و...) و احکام آنها بحث می‌شود.

ب) خانواده، شامل: خطبه و خواستگاری، نکاح، آثار عقد (حقوق زن، شوهر و فرزندان)، انتهای عقد (طلاق، خلع، رجعت، ایلاء، ظهار و لعان) و آثار انتهای عقد (عده، نفقه، سکنی و حضانت) است.

ج) میراث، وصیت و وقف که در بخش معاملات مدنی (بخش نهم) بحث می‌گردند.

بخش ۹. معاملات مدنی و تجاری شامل:

الف) مصادر التزام (عقد، اراده، عمل غیر شرعی، کسب غیر شرعی و قانون)؛

ب) احکام التزام (آثار، اوصاف، انتقال، انقضاء و اثبات التزام)؛

ج) عقود و اقسام آن:

یک - تصرفات واقع بر ملک، شامل: بیع، مقایضه، هبه، شرکت و مضاربه، قرض، دخل دائم و صلح؛

دو - تصرفات واقع بر انتفاع به چیزی، شامل: ایجار و عاریه؛

سه - تصرفات واقع بر عمل، شامل: عقد عملی، مقاوله، وکالت، ودیعه، و حراست؛

چهار - عقود احتمالی، شامل: قمار و رهان، ایراد المرتب مدی الحیاه، و بیمه؛

پنج - اعمال و عقود تجاری جدید، شامل: حمل و نقل و بازاریابی (سمسره)؛

شش - اوراق تجاری، شامل: سفته؛

هفت - عملیات بانکی؛

هشت - بورس؛

نه - قراردادهای دریایی و هوایی؛

د) ملکیت و توابع آن شامل: انواع مال، حق ملکیت، انتقال ملکیت (میراث، وصیت

و وقف)، توابع ملکیت و تأمینات شخصی (کفالت) و عینی (رهن، اختصاص و امتیاز).

بخش ۱۰. تشریح جزایی شامل:

الف) مباحث عمومی شامل جرم و مجازات. در جرم، از ماهیت، انواع و ارکان جرم بحث می‌شود، و در مجازات، از چند امر بحث به میان می‌آید:

یک- اقسام مجازات‌ها: مجازات‌های بدنی (قتل، صلب، رجم، قطع دست و پا، قصاص، تازیانه، صفع، زندانی، تبعید و تشغیل محکوم علیه)، مجازات‌های مالی (دیه، غرامت، مصادره) و مجازات‌های دیگر (احضار به مجلس قضا، وعظ، توبیخ، هجر، بدون اجازه داخل خانه شدن، تهدید، عزل، تشهیر و کفارات)؛

دو- تعدد مجازات‌ها: استیفاء مجازات‌ها، برگشت مجازات‌ها (عود) و سقوط مجازات به واسطه مرگ جانی، عفو و صلح، توبه، تقادم، ارث و قصاص؛

ب) مباحث خاص مربوط به جرایم:

یک- جرایم واقع بر نفس که دو قسم است: اول، جرایم موجب قصاص (قتل عمد، اتلاف عمدی اطراف، جرح عمد)؛ دوم، جرایم موجب دیه (قتل عمد با تخلف یکی از شروط قصاص، قتل شبه عمد، قتل خطا، قتل جاری مجرای خطا، قتل بالتسبیب، فصل اطراف، شجاج خطائی، جراح خطائی، باقی جرایم واقع بر نفس، شروع در یکی از جرایم گذشته، شرکت در جرم)؛

دو- جرایم واقع بر آبرو که دو قسم است: اول، جرایم موجب حد (زنا، قذف، شرب خمر)؛ دوم، جرایم موجب تعزیر (زنایی که حد ندارد، بعضی از جرایم واقع بر آبرو، افساد اخلاق، قذفی که حد ندارد، دشنام، شرب خمیری که حد ندارد، شروع و اشتراک در یکی از جرایم یادشده و...؛

سه- جرایم واقع بر مال که دو قسم است: اول، جرایم موجب حد (سرقت)؛ دوم، جرایم تعزیری (سرقتی که حد ندارد، نصب، رباخواری، خیانت در امانت، میسر (قماربازی)، آتش‌سوزی، اتلاف، هتک حرمت ملک دیگران، شروع یا شرکت در یکی از جرایم یادشده و...؛

چهار- جرایم دیگر (هتک حرمت حیات شخصی، شهادت زور، بلاغ کاذب، کشتن یا ضرر زدن به حیوانات اهلی)؛

شش - جرایم عمومی و اجتماعی که پانزده قسم است: جرایم واقع بر امنیت خارجی (بغی و جاسوسی)، جرایم واقع بر امنیت داخلی (جِرابه، رده، اشاعه فحشا، رشوه، تجاوز از وظایف و تقصیر در ادای آن، بدرفتاری با مردم، پیروی نکردن از دستورهای کارگزاران، فرار زندانیان و مخفی کردن جانیان، تزویر، اختلاس، غش، تجاهر به فسق، مخالفت آشکار با اخلاق و آداب عمومی، معامله بر حرام، شروع و شرکت در یکی از جرایم یادشده....

بخش ۱۱. نظام حکومت مشتمل بر:

الف) مقدمات (تعریف، تاریخچه، ارتباط با دیگر علوم و منابع آن)؛

ب) حقوق بشر که در بخش پنج گذشت؛

ج) امت (عوامل پیدایش، ارتباطات مردمی، سنن الهی، حقوق و تکالیف)؛

د) دولت (تعریف، ارکان، وظایف، قلمرو، انواع و...)

ه) حکومت (تعریف و انواع آن)؛

و) انتخابات؛

ز) قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، قوه نظارت، ارتباط بین قوا، قانون اساسی و... .

بخش ۱۲. قضاوت شامل سه بحث:

الف) نظام قضایی متشکل از: قاضی، ولایت قضا و امور مرتبط با قضا (تحکیم،

مظالم، حسب، توثیق).

ب) اجرائات مشتمل بر:

یک - وحدت یا تنوع اجرا در قوانین مدنی و جنایی؛

دو - دعوا (عناصر، انواع، صیغه)؛

سه - استماع دعوا؛

چهار - حکم قاضی؛

پنج - نقض حکم قاضی؛

شش - تنفیذ حکم.

ج) طرق اثبات حق (اقرار، شهادت، خط، یمین، علم قاضی، قسامه، خبره، قرعه و در آخر تعارض بینه).

بخش ۱۳. نظام اداری متشکل از:

الف) قوانین اداری؛

ب) تشکیلات اداری: اشخاص، مراکز، مردم؛

ج) عناصر: اموال عام، کارمندان دولت؛

د) وظایف: وظایف ادارات دولتی، اماکن عمومی، دایره حدود قوانین و مقررات

اداری؛

ه) طبیعت فعالیت اداری؛

و) ویژگی های نظام اداری؛

ز) نظارت بر فعالیت های اداری.

بخش ۱۴. نظام مالی و اقتصادی شامل:

الف) ویژگی های نظام اقتصادی؛

ب) درآمدهای عمومی که از سه طریق ثابت شده: یک- نصوص شرعی که عبارتند

از: زکات و جزیه، فیه، خمس و درآمدهای دولتی؛ دو- اجماع که عبارتند از: خراج و

عشور؛ سه- اجتهاد شامل زکات اموال جدید، توظیف (مالیات های خاص)؛

ج) مالیات عمومی شامل: مفاهیم، مبادی و اهداف مالیات؛

د) سیاست های مالیات های شرعی؛

ه) تنظیم و نظارت.

بخش ۱۵. روابط بین المللی شامل:

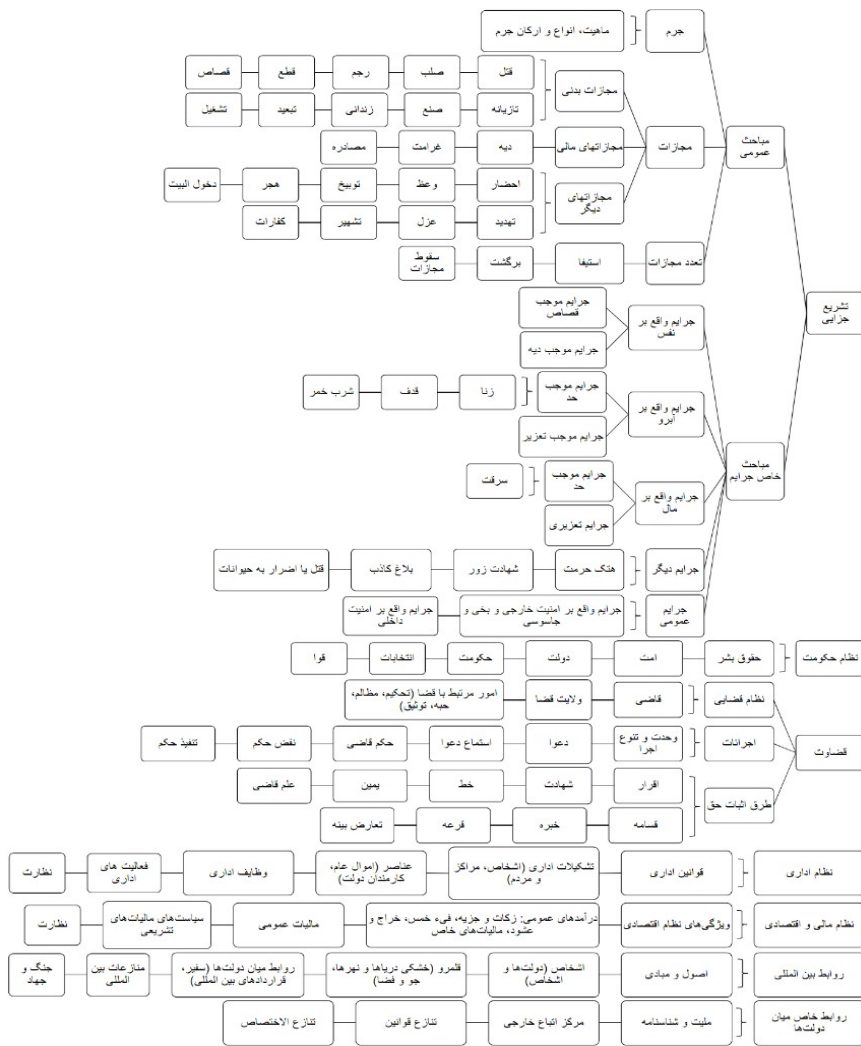
الف) اصول و مبادی؛

ب) اشخاص (دولت ها و اشخاص)؛

ج) قلمرو (خشکی، دریاها و نهرها، جو و فضا)؛

د) روابط میان دولت ها (همکاری با فرستادن سفیر، کنفرانس ها و قراردادهای بین المللی)؛

ه) درگیری های بین المللی و حل آن؛



بررسی ساختار فقه از منظر جمال عطیه

ساختار پیشنهادی دکتر جمال عطیه در شانزده بخش، مفصل‌ترین ساختار از منظر اهل سنت است. این ساختار نقاط مثبت و کاستی‌هایی دارد که در ادامه این دو امر را بررسی می‌کنیم.

مزایا

برخی از مهم‌ترین مزایای این ساختار عبارتند از:

۱. ارائه تقسیم تفصیلی مباحث فقه (جامعیت): در این ساختار سعی شده تا حد ممکن مباحث و مسائل و ابواب فقهی استقصا و دسته‌بندی شوند. از این نظر می‌توان ادعا کرد این ساختار از جامعیت بالایی برخوردار است و توانایی پوشش تمامی ابواب فقهی موجود را دارد.
۲. شبکه‌سازی بخش‌ها، ابواب و مسائل فقهی (انسجام): مزیت این تقسیم، در استقصای عنوان بخش‌ها و ابواب فقهی قدیم و جدید و به کارگیری آنها در ساختار است، به گونه‌ای که شبکه‌ای از مسائل فقهی به‌طور منسجم به هم مربوط شده‌اند.
۳. تناسب با نیازها: در این ساختار، مباحث فقهی روز گنجانده شده و از این حیث متناسب با نیازهای امروزی است. این ساختار براساس نیازهای امروزه فرد، جامعه و حکومت طراحی گردیده و جمود بر ساختارهای پیشین نشده و البته از ساختارهای گذشته نیز استفاده شده است.
۴. توجه شایسته به مباحث جدید: این ساختار، نه تنها به مباحث و ابواب فقهی جدید توجه کرده، این‌گونه مباحث را در مکان مناسب خود جای داده است. قرار گرفتن حقوق بشر به‌عنوان یک بخش از بخش‌های شانزده‌گانه اصلی فقه، طرح نظام اقتصادی، نظام قضایی، نظام حکومت، نظام اداری و روابط بین‌المللی، نشان از توجه ویژه به مباحث جدید فقهی دارد که در ساختارهای پیشین کمتر اهمیت داشته است.
۵. برخورداری از رویکرد فقه اجتماعی و حکومتی (حصرنکردن ساختار در فقه فردی): یکی از مزیت‌های مهم این ساختار آن است که براساس فقه اجتماعی و حکومتی طراحی شده، نه براساس فقه فردی.
- نگاه غالب در این ساختار، فقه اجتماعی و حکومتی است. عنوان بخش‌ها نیز به‌روشنی حکایت از این نگاه دارد.
۶. توجه به بخش‌های مقدماتی: در این ساختار، شش بخش به مباحث مقدماتی و کلیات فقه اختصاص یافته که عبارتند از: شریعت، ایمان، اخلاق، مقاصد شریعت،

حقوق بشر و ضوابط شرعی علوم. توجه به این بخش‌ها در ساختار، نشان از نگاه جامع به علم فقه و مباحث دخیل در آن دارد.

ساختار مطلوب، ساختاری است که در آن کلیات و مباحث مقدماتی دخیل در یک علم سامان‌دهی شود و تنها به مباحث اصلی و رایج در آن پرداخته نشود.

کاستی‌ها

برخی از مهم‌ترین نقاط ضعف و کاستی‌های این ساختار چنین است:

۱. بیان نکردن منطق و معیار تقسیم: طراح این ساختار، منطق تقسیم خود را بیان نکرده و توضیح نداده که شانزده بخش اصلی این ساختار بر چه مبنایی شکل گرفته است؛ آیا منطق خاصی بر ساختار حاکم است یا آنکه این مباحث به استقراء مباحث و ابواب فقهی و شاخه‌های حقوق طراحی شده است؟

گویا از استقراء مباحث و ابواب علم فقه این شانزده بخش به دست آمده است. پس اساس این ساختار را می‌توان استقراء مسائل و ابواب فقهی دانست.

۲. تعریف نکردن اصطلاحات: ایشان اصطلاحات به کار رفته در ساختار خود را تعریف نکرده و این از کاستی‌های یک ساختار خواننده می‌شود و ممکن است مانع فهم کامل ساختار یا سبب بدفهمی گردد. برخی از اصطلاحاتی که نیاز به تعریف دارند، عبارتند از: شعائر، احوال شخصیه، معاملات مدنی، حکومت، نظام اداری، روابط بین‌المللی و ...

۳. تکرار مباحث: برخی از مباحث در بیش از یک جا طرح شده‌اند. برای مثال حقوق بشر، هم به‌عنوان یک بخش جداگانه مطرح شده و هم جزئی از نظام حکومت. یا کفارات که هم در بخش شعائر آمده و هم در بخش تشریح جزایی. همچنین زکات هم در شعائر طرح شده و هم در نظام اقتصادی (درآمدهای عمومی).

۴. سردرگمی در مصادیق شعائر: ایشان به جای اصطلاح عبادات از اصطلاح شعائر استفاده کرده و جای تقدیر دارد؛ زیرا اول اینکه در عبادات چندین اصطلاح وجود دارد و در بیشتر موارد فقیهان میان اصطلاحات یا شمارش مصادیق آنها دچار سردرگمی

شده‌اند و دوم اینکه مصادیقی که در این بخش می‌گنجد، اعم از عبادات به معنای اخص است.

درواقع اشکال آن است که ایشان در شمارش مصادیق شعائر دچار سردرگمی هستند؛ زیرا فقیهان در تعریف شعائر گفته‌اند: «آنچه از معالم دین است» (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۳۰)، و مصادیق ذیل را از شعائر خوانده‌اند: اذان و اقامه (شرینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۴)، نماز جمعه و نماز عید و سلام (کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۹، ج ۲، ص ۱۵۲ و ج ۷، ص ۱۱۳)، حج، قرائت قرآن (ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۲۶)، نماز جماعت و اضحیه (ابن عابدین، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۳) و ایشان بعضی از این موارد را به‌عنوان شعائر نام نبرده و موارد دیگری مانند زکات، توبه، تفکر و کفارات را از شعائر دانسته است.

۵. پیروی افراطی از ساختار حقوق: این ساختار با توجه به ساختار حقوق تنظیم شده، بدین معنا که ساختار حقوق بر آن غالب و تحمیل شده است. اگر ساختار فقه، قانون‌گذاری بود، می‌گفتیم تا آنجا که ممکن است، ساختار فقه و حقوق به هم نزدیک شوند و مباحث مشترک آنها در قالبی مشترک یا نزدیک به هم طراحی گردند. این نزدیک شدن به نفع هر دو علم است؛ زیرا از یک سو ضعف‌ها و کاستی‌های هر یک از دو علم مشخص می‌شود و از ظرفیت همدیگر بیشتر می‌توانند بهره‌مند گردند و از سوی دیگر زبان مشترک یا نزدیک در مباحث فقهی - حقوقی پیدا می‌شود و فقه ظرفیت جهانی خود را به نمایش می‌گذارد.

البته در ساختار علم فقه باید فقه آن‌قدر در ساختار فرو کاسته نشود که ساختار حقوق بر آن سایه افکند، بلکه باید ساختار علم فقه به‌عنوان یک علم ممتاز، تا حد ممکن محفوظ ماند؛ امری که در ساختار جمال عطیه از یاد رفته است.

پنج ساختار دیگر از دکتر محمصانی، دکتر خن، تویجری، ا.د شعبان محمداسماعیل و تفاحه یافت شد که سه ساختار اول بسیار شبیه ساختار زرقاء هستند؛ با این تفاوت که در این سه ساختار، ابواب زیرمجموعه هر بخش نیز بیان شده‌اند. دو ساختار دیگر، تفاوت بیشتر دارند (محمصانی، ۱۹۹۷م، صص ۱۱-۱۳؛ مصطفی خن، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۱۲-۱۳؛ تویجری، ۱۴۳۰ق، ج ۱، صص ۱۳-۱۵؛ احمد زکی تفاحه، ۱۴۱۴ق، ص ۶ و ر.ک: احمد زکی تفاحه، ۱۳۹۷ق، صص ۲۲-۲۴).

نتیجه‌گیری

از این تحقیق نتایج زیر به دست آمده است:

۱. متأخران اهل تسنن بیشتر ساختار فقه را با توجه به حقوق طراحی کرده‌اند.
۲. ساختارهای فقهی حقوقی از قرن ۱۴ شکل گرفتند. اولین ساختار فقهی حقوقی از زرقاء است.
۳. غالب ساختارهای فقهی حقوقی اهل تسنن، برگرفته از ساختار زرقاء هستند.
۴. مفصل‌ترین ساختار فقهی حقوقی، ساختار جمال عطیه در پانزده بخش است.
۵. ساختارهای فقهی حقوقی دو دسته‌اند: ساختارهای ناظر به علم حقوق و ساختارهای پیرو حقوق. ساختارهای زرقاء، خلاف، موسوعه کویتیه و جمال عطیه، ساختارهای پیرو علم حقوق‌اند؛ زیرا پیروی حداکثری از ساختار حقوق دارند، اما ساختارهای زحیلی و شیخ شلتوت را با تسامح می‌توان ساختارهای ناظر به حقوق نامید؛ زیرا پیروی کمتری از ساختار حقوق دارند.
۶. پیروی ساختار فقه از ساختار حقوق، در تقنین مناسب به نظر می‌رسد؛ زیرا ساختار قانون‌گذاری، ساختاری بین‌المللی است، اما پیروی ساختار علم فقه یا فقه فتوایی، از ساختار حقوق مناسب نیست و حداکثر می‌توان گفت: ساختار فقه، ناظر به علم حقوق چیش شود.
۷. نظریه مختار آن است که ساختار مناسب فقه قانون‌گذاری باید به حقوق نزدیک شود و ارتباط حداکثری با علم حقوق پیدا کند؛ زیرا زبان قانون، بین‌المللی است و زبان کنونی قانون، علم حقوق است، اما ساختار علم فقه نباید از علم حقوق برگرفته شود؛ زیرا علم فقه، علم مستقل و جداگانه‌ای است و میراث کهن دارد. بنابراین تا می‌توان باید ارتباط یک علم با میراث علمی حفظ شود. یکی از راه‌های حفظ این ارتباط، نزدیکی ساختار کنونی علم با ساختار گذشته آن است. همچنین روش ساختار امامیه پذیرفته است؛ زیرا ساختارهای جدید فقهی امامیه، ناظر به حقوق است (و نه پیرو)، اما ساختار فقه قانون‌گذاری می‌تواند از ساختار علم حقوق به بیانی که گذشت، پیروی کند.

فهرست منابع

١. ابن عابدين، محمد امين. (١٤٢٦ق). حاشية ردّ المختار (ج ١). بيروت: دارالفكر.
٢. بخارى، محمد بن اسماعيل. (١٤٠١ق). صحيح البخارى (ج ١). بيروت: دارالفكر.
٣. تفاحه، احمد زكى. (١٣٩٧ق). الاسلام و الحكم. بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
٤. تفاحه، احمد زكى. (١٤١٤ق). فلسفة التشريع الاسلامى. بيروت: الشركة العالمية لكتاب ش م ل.
٥. تويجرى، محمد. (١٤٣٠ق). موسوعة الفقه الاسلامى (ج ١). بيروت: بيت الافكار الدولية.
٦. خلاف، عبدالوهاب. (١٩٩٢م). علم اصول الفقه. دمشق: دارالمتحدة.
٧. خن، مصطفى و ديگران. (١٤١٧ق). الفقه المنهجي (ج ١). دمشق: دارالعلوم الانسانية.
٨. زحيلي، وهبه. (١٤٠٩ق). الفقه الاسلامى و ادلته (ج ١، ٥، ٦، ٧، ٩ و ١٠). دمشق: دارالفكر.
٩. زرقاء، مصطفى احمد. (١٩٦٧م). الفقه الاسلامى فى ثوبه الجديد (المدخل الفقهى العام) (ج ١). بيروت: دارالفكر.
١٠. شريينى، محمد. (بى تا). الاقناع (ج ١). بيروت: دارالمعرفة.
١١. شلتوت، محمود. (بى تا). الاسلام عقيدته و شريعته. بيروت: دارالشروق.
١٢. طباطبايى، سيدعلى. (١٤١٢ق). رياض المسائل (ج ٢). قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
١٣. كاشانى، ابوبكر. (١٤٠٩ق). بدائع الصنائع (ج ١، ٢ و ٧). پاكستان: المكتبة الحبيبية.
١٤. محمصانى، صبحى. (١٩٧٧م). المبادئ الشرعية والقانونية فى الحجر و النفقات و الموارث و الوصية (چاپ هفتم). بيروت: دارالعلم للملايين.
١٥. مصرى، ابن نجيم. (١٤١٨ق). البحر الرائق (ج ١، محقق: شيخ زكريا عميرات، چاپ اول). بيروت: دار الكتب العلمية.
١٦. نووى، محى الدين. (بى تا). المجموع (ج ٨). بيروت: دارالفكر.
١٧. وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية. (١٤٠٤ق). الموسوعة الفقهية الكويتية (ج ١). كويت: ذات السلاسل.

References

1. Ibn Abedin, M. A. (1426 AH). *Hashiyah Rad al-Mukhtar*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
2. Bukhari, M. (1401 AH). *Sahih Al-Bukhari* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fakr. [In Arabic]
3. Kashani, A. (1409 AH). *Bida'u al-Sana'e*. Pakistan: Al-Maktaba al-Habibiyah. [In Arabic]
4. Khalaf, A. (1992). *Ilm Usul Fiqh*. Damascus: Dar al-Mutahidah.
5. Khan, M. et al. (1417 AH) *Fiqh al-Manhagi*. Damascus: Darul Uloom al-Insaniya. [In Arabic]
6. Masri, I. (1418 AH). *Bahr al-Raiq*. (Amirat, Z, Ed.). 1st ed., Beirut: Dar Al-Kitab Al-Ilmiyah. [In Arabic]
7. Ministry of Endowments and Islamic Affairs. (1404 AH). *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyyah al-Kuwitiyah*. Kuwait: Zat al-Salasal. [In Arabic]
8. Mohmasani, S. (1977). *Al-Mabadi al-Shari'ah va al-Qanouniyah fi Al-Hijr va al-Nafaqat va al-Mawarith va al-Wasiyah*. (7th ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.
9. Nowi, M. (n.d.). *Al-Majmou*: Dar al-Fekr.
10. Shaltut, M. (n.d.). *Al-Islam Aqidah va Shariah*. Beirut: Dar al-Shorouq.
11. Sherbini, M. (n.d.). *Al-Iqna'*. Beirut: Dar al-Ma'arifah.
12. Tabatabaei, S. A. (1412 AH). *Riyad al-Masa'il*. Qom: Mu'asisah al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
13. Tofahah, A. Z. (1414 AH). *Philosophy of Islamic Law*, Beirut: Al-Sherkah Al-Alamiyah le Kitab Sh.M.L. [In Arabic]
14. Tofaheh, A. Z. (1397 AH). *Al-Islam va al-Hakam*. Beirut: Dar al-Ta'aruf le al-Matbu'at. [In Arabic]
15. Tuijri, M. (1430 AH). *Encyclopedia of Islamic jurisprudence*. Beirut: Beyt al-Afkar al-Dowaliyah. [In Arabic]
16. Zarqa, M. A. (1967). *Fiqh al-Islami fi Thawba al-Jadeed (Al-Madkhal al-Fiqhi al-Aam)*. Beirut: Dar al-Fekr.
17. Zoheili, W. (1409 AH). *Al-Fiqh al-Islami va Adilah*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]